

پژوهشی به مناسبت حلول نوروز



محمد تقی سرمدی / مدیر مسئول

همه روزگار تو نوروز باد
همه ساله بخت تو پیروز باد

سر سال نو هرگز فرودین
برآسود از رنج تن، دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

از همین اشعار داستانی که ابوریحان بیرونی نیز آن را نقل کرده (آثار الباقیه صفحه ۲۱۶) خوب بر می‌آید که نوروز را به معنی "روز نو و تازه" یعنی روزی که سال نو بدان آغاز گردد، دانسته‌اند. ابوریحان درالتفهیم (مصحح: همایی، صفحه ۲۵۳) گوید: «از رسمهای پارسیان نوروز چیست؟ نخستین روز از فروردین ماه، وزین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است. دربارهٔ پیدایش نوروز افسانه‌های بسیار گفته شده که هرچه اساطیری است، اما از تواتر آن اخبار وجه تسمیهٔ نوروز و نیز قدمت انتصاب آن به دوران آریایی بخوبی آشکار می‌گردد. اگر چه در اوستا نامی از نوروز به چشم نمی‌خورد، اما برخی از کتابهای دینی پهلوی از نوروز و مراسم ایرانیان باستان یاد کرده‌اند. بنا بر بندهش زردشت سه بار با «هوو» (Hvōv) یا هوگوی (Hvogvi) نزدیکی کردو هر بازار او نطفه‌ای بر زمین افتاد و این نطفه‌ها که سه تا بودند تحت مراقبت و نظارت کامل ایزد اناهیته (Anahita = ناهید) در دریاچهٔ کسوه^۱ (kasava) نهاده شده است. در آنجا کوهی به نام "کوه خدا" وجود دارد که جایگاه گروهی از پارسیان است. هر سال در نوروز و مهرگان این مردم دختران خود را برای آب تنی در دریاچه مزبور می‌فرستند، زیرا زردشت به آنها گفته است که از دختران ایشان اوشیدر (Ošedar) و اوشیدر ماه (Ošedar mäh -) و سرشیان (Sošyan) که - موعودان سه گانهٔ مزدیسنا - هستند به وجود خواهند آمد.^۲

چنین آیینی هنوز هم در نورز میان مردم سیستان ساکن در

نوروز، بزرگترین جشن ملی ایرانیان، در نخستین روز از اولین ماه سال شمسی - آنگاه که روز و شب برابر گردد - آغاز می‌شود. بنابر شاهنامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی جشن نوروز از رسوم جمشید، یکی از پادشاهان داستانی پیشدادی است. دربارهٔ شاهنامه این توضیح لازم است نوشته شود که شاهکار مزبور شامل سرگذشت پادشاهان داستانی پیشدادی و کیانی و سلسلهٔ تاریخی ساسانی است و در باب پادشاهان اشکانی تنها چند بیت دارد. مأخذ عمدهٔ شاهنامه نیز شاهنامه منثور ابومنصوری است که در اواسط قرن چهارم به حکم ابومنصور محمدبن عبدالرزاق طوسی فرمانروای طوسی تدوین شده و علاوه بر این روایات مختلف شفاهی و کتبی در باب موضوعات مختلف از جمله جشن نوروز به دست فردوسی افتاده و وی مجموع آنها را در شاهکار ماندگار خود «شاهنامه» جای داده است. حکیم بزرگوار طوس اندر پادشاهی جمشید و «روزنو» (نوروز) می‌گوید:

به فر کیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر ن ساخت
که چون خواستی دیو برداشتی
زهامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته برو شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت او
فرومانده از فرۀ بخت او
به جمشید برگوهر افشاندند
مرآن روز را روز نو خواندند





شتری آراسته نشانده و با بزرگداشتی تا در دورن شهر همراهی می‌کنند. در شهر، همگان چشم به راه ورود گروه دوشیزگان می‌باشند و به دست شاخه‌های سبزو و اسپند دارند. همین که دوشیزه را از شتر پایین آورده و بخشی از تن پوش او را کنده برای شکون و شادی، هر کس پاره‌ای از آن را بر می‌دارد و سراسر پیکر دوشیزه را با شاخه و گل می‌پوشانند. بزرگداشت‌ها و جشن تا شب هنگام ادامه می‌یابد و چشم به راهند که دوشیزه در درازنای سال به آینده زرتشتی باردار شود.^۳

در نوروزنامه پیرامون نوروز آمده است که: «آمدن موبد موبدان و نوروزی آوردن آیین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روز یزدجرد [یزدگرد] که آخر ملوک عجم بود، چنان بوده است که روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه موبد موبدان پیش ملک آمدی با انگشتی و درم و دیناری خسروانی، و یک دسته خویده^۴ سبز رسته و شمشیری و تیر و کمان، و دوات و قلم، واسپی و غلامی خویری، و ستایش نمودی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عبارت ایشان. چون موبد موبدان^۵ از آفرین پیرداختی، پس بزرگان دولت در آمدندی و خدمتها پیش آوردندی. آخرین موبد موبدان به عبارت ایشان [بدین شرح بوده است]: «شها به جشن فروردین، به ماه فروردین، آزادی گزین، به روان و دین کیان، سروش آورد تو را دانایی و بینایی به کردانی؛ و دیرزیو خور به جام جمشید و رسم نیاکان ما، در همت بلندو نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاهدار. سرت سبزاباد و جوانی چو خویده. اسبت کامگار و پیروز و تیغت روشن و کاری به دشمن، و بازت گیر[و] خجسته به شکار، و کارت راست چو تیر، و هم کشوری بگیر نو، بر تخت با درم و دینار، پیشت هنری و دانا گرامی و درم خوار، و سرایت آباد و زندگانی بسیار.» چون این بگفتی چاشنی کردی و جام به ملک دادی، و خویده در دست دیگر نهادی و دینار و درم در پیش تخت اوبنهادی. و بدین آن خواستی که

دریاچه هامون رواج دارد. شخصی که خود ناظر برگزاری آیین اوشیدر در سال ۱۳۲۰ خورشیدی بوده می‌گوید: «آز آیینهای نوروزی در کنار دریاچه هامون در سیستان آن است که در هنگام نوروز، دوشیزگان سیستانی، به یادیک روش دیرین، تن پوش سپید در بر کرده، برای شستن بدن خود و آب تنی به کنار دریاچه هامون می‌آیند و همین که هوا تاریک شد، این دوشیزگان با پیمایش بزرگدشتهایی در کناره‌های هامون به شنا می‌پردازند و ترانه‌هایی ویژه می‌خوانند. در اینجا به هیچ وجه نیابستی جوانان و مردان بوده باشند و شماری از زنان در کار نگهداری آیین در آنجا گرد می‌آیند. این آیین آب تنی تا نیمه شب ادامه دارد. نیمه شب دختران از آب بیرون آمده و بر روی شنهای کناره دریاچه به آرامش می‌پردازند و آجیل لُرک می‌خورند و خود را آماده پذیرایی برای آینده زرتشتی یعنی سوشیانت می‌نمایند، زیرا این باور از دیر زمانی در میان مردم خاور ایران به ویژه مردم سیستان پدیدار بوده و هست که نطفه زردشت در رود هیرمند است و برآند که هنگامی دوشیزه‌ای از آن به آینده زرتشتی باردار خواهد شد که بیداد و ستم و نادرستی و دروغ جایگزین داد و درستی شده باشد و همچنین بر این باورند که نطفه هنگام نوروز جابه‌جا خواهد شد.

بر اساس چنین باوری، دختران سیستانی هنگام نوروز از بین خود، زیباترین را برگزیده و او را هوشیدر می‌نامند و هنگام رهسپاری به سوی دریاچه هامون به تن آن دختر تن‌پوشی سفید و گرانبها کرده و گیسوانش را با شاخه‌های سبز مو آراسته و در دستهایش شاخه‌های اسپند می‌نهند و با ترانه خوانی و شادمانی دنبال وی تا دریاچه می‌روند. چون به کنار دریاچه رسیدند، در آغاز برابر یک روش باستانی به هم آب می‌پاشند و ترانه می‌خوانند.

هنگام بازگشت، دوشیزه‌ای را که هوشیور نام نهاده‌اند، بر





روز نو و سال نو هر چه بزرگان اول دیدار چشم بر آن افکند، تا سال دیگر شادمان و خرمن با آن چیزها در کامرانی بمانند، و آن برایشان مبارک گردد، که خرمنی و آبادانی جهان در این چیزهاست که پیش ملک آوردندی^۶».

جشنهای ایرانیان، آریاییان در اعصار باستانی دو فصل گرما و سرما داشتند (طبقه‌بندی سال به چهار فصل بهار و تابستان و پاییز و زمستان بعدها پیدا شد) و در هر یک از این دو فصل جشنی بر پا می‌داشتند و هر دو آغاز سال نو به شمار می‌رفته است. نخست جشنی که به هنگام آغاز فصل گرما - یعنی وقتی که گله‌ها را از آغل به چمنهای سبز و خرم می‌بردند و از دیدن چهره دلارای خورشید شاد و خرم می‌شدند - و دیگر در آغاز فصل سرما که گله را به آغل کشانیده توشه روزگار سرما را تهیه می‌کردند. ایرانیان با جشن نوروز در مجموع هفت جشن و به شرح زیر داشتند:

۱. جشن نوروز، که نخستین روز سال است و تا امروز برگزار می‌شود.
۲. جشن خرداد، که روز تولد زردشت است.
۳. جشن تیرگان، که در روز تیر^۷ و ماه تیر به یاد بود پیروزی ایران بر تورانیان بر پا می‌شد.
۴. جشن مهرگان، به یادگار قیام کاوه آهنگر به ضحاک تازی بود.

۵. جشن سده یا جشن پیدایش آتش، که در دهم بهمن برگزار می‌شد. این جشن در حقیقت به مناسبت گذشتن «صد روز» از آغاز زمستان آریایی - یعنی از اول آبان تا دهم بهمن ماه - که پنجاه روز مانده به آغاز نوروز است بر پا می‌شد.

۶. جشن پنجه (۵ روز پیش از نوروز) که برای درخواست آمرزش و شادی روان در گذشتگان بوده است. در این پنج روز، زردشتیان با افروختن آتش بر بام خانه‌های خود - که نشانه پایان پنجه سال و آغاز بهار و نوروز است - با خواندن سرود آفرینگان "جشن پنجه" را برگزار می‌کنند.

۷. جشن گاه انبار (گهنبار)، نیاکان ما این جشن را در هنگام برداشت محصولات کشت شده و میوه و انبار کردن آنها با ترنم سرود آفرینگان بر پا می‌ساختند و مقداری از آنها را نیز به نیازمندان می‌بخشیدند.

در ضمن اضافه می‌نماید که ایرانیان شش گاه انبار داشتند و هر یک ۵ روز طول می‌کشید. گاه انبارها بدین قرار بوده است: گاه انبار اول، میدیوزرم (maidyozairem) نام دارد که به معنای میان بهار است. این گاه انبار از روز خیر ایزد در

اردیبهشت ماه تا ۵ روز برگزار می‌شود. به اعتقاد ایرانیان در این پنج روز آسمان آفریده شده است.

گاه انبار دوم، میدیوشهیم (Maidyoshahim) نامیده شده و به معنای میان تابستان است. این گاه انبار از روز خیر ایزد در تیرماه تا پنج روز جشن گرفته می‌شود. عقیده بر این بوده که آب در این موقع آفریده شده است.

گاه انبار سوم، پیته شهیم (Paitihshahim)، یعنی پایان تابستان، از روز اشتاد (Ashtad) در شهریور ماه به مدت پنج روز است. در فرهنگ دینی زردشتیان، زمین در این هنگام آفریده شده است.

گاه انبار چهارم، ایاسریم (Ayasrim/Ayathrima) نام دارد که از رود اشتاد ایزد در مهرماه تا پنج روز است و گیاهان و درختان این زمان آفریده شده‌اند.

ماه انبار ششم، همس پت میدیم (- Hamaspathma dim) یعنی برابر شدن روز و شب می‌باشد که مصادف با پنجه آخر سال است. گاه انبار ششم ویژه مردگان بوده و در این پنج روز آدمی آفریده شده است^۸.



پسر هرمزدوم و در دیگری تاریخ روز هرمز (نام روز اول هر ماه) از ماه تیر یامیتری از سال هجدهم همان پادشاه کنده شده است. گذشته از این، نام ماهها و روزهای قدیم در منابع پهلوی نیز بر جای مانده است که نشانگر رایج بودن آنها در روزگاران بسیار دور است.^{۱۰}

نوروز در دوره اسلامی. آثار و قراینی که در دست است نشان می‌دهد که در دوره اسلامی جشن نوروز همواره برگزار می‌شده منتهی مراسم آن با تصرفات و تغییراتی از عهدی به عهد دیگر منتقل می‌گردیده است. به عقیده شیعیان جهان در این روز مولای متقیان حضرت علی(ع) به جانشینی پیامبر گرامی اسلامن حضرت محمد مصطفی(ص) برگزیده شده است. این موضوع به عید نوروز جنبه تقدس داده و بر خلاف اعیاد دیگر مذهبی که مطابق تقویم قمری هستند، این تاریخ در سال شمسی تثبیت گردیده است.

یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصَارِ
یا مُدْبِرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ
یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْاِحْوَالِ
حَوْلَ حَالِنَا اِلَى اَحْسَنِ الْحَالِ

قرار دادن نوروز در اول بهار، از دوران سلطنت ملکشاه سلجوقی (ولادت ۴۴۵ - فوت ۴۸۵ هـ.ق.) برقرار شد که به نام سازنده آن «تاریخ جلالی» یا «تاریخ ملکی» ثبت در تاریخ گردید. این پادشاه که خود فردی جبار و کامکار و خوب صورت و بلند قد و قوی بازوی بود کلیه امور مملکت را به دست خواجه نظام‌الملک سپرد. با هدایت خواجه نظام‌الملک و فرمان ملکشاه، اخترشناسانی مانند حکیم عمر خیام نیشابوری (فوت بین ۵۳۰ و ۵۶۰ هـ.ق.) فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم و شاعر ایرانی، حکیم لوکری، میمون بن نجیب واسطی، ابوالمظفر اسفراری و چند دانشمند دیگر به اصلاح تقویم زدند. پیش از آن، نوروز در گردش بودو هیچگاه در جای اصلی خود - یعنی برج حَمَل (نخستین برج از بروج دوازده‌گانه شمسی برابر فروردین) و اولین روز بهار قرار نمی‌گرفت، مگر در هر ۱۴۴۰ سال، آن نه به گونه‌ای صحیح.

مراسم جشن نوروز در دوره قاجار. خانم کارلاسرنا جهانگرد شجاع و شهیر ایتالیایی که در ماه نوامبر سال ۱۸۷۷ میلادی مطابق با شعبان ۱۲۹۴ هجری قمری و آبان سال ۱۲۵۶ هجری خورشیدی مقارن با سی امین سال پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار در ایران بوده و پس از یک سال کشور ما را ترک گفته درباره نوروز تحت عنوان «مراسم با شکوه سلام در حضور



نامه‌های ماههای ایرانی بی‌تردید در دوران پیشدادیان و کیانیان و حتی پیش از آنها نیز در میان آریاییها رایج بوده و زردشت پیامبر ایرانیان برخی از یشت‌ها را به نام این ماهها آورده است که خوشبختانه در کتب تاریخی بویژه به وسیله زردشتیان تا کنون حفظ شده است. مثلا در سکه‌های هندواسکیتی متعلق به قرن اول میلادی ماه تیر (تیرو) به چشم می‌خورد. بر دیواره‌های معبد مهری «دورا»، واقع در ساحل رود فرات، در زیر نقاشیهایی که اثر ایرانیان است و تاریخ دار نیز می‌باشد نام ماههای تیر و امردات (Amordat) و شتور (Shatvaro) و ماه مهر از سال ۲۴ و ماه فرورتین (Farvartin) از سال ۲۵ آمده است. همچنین روچ روشن (Ruch-e-Rashn) که روز هجدهم از هر ماه است نگاشته شده و آهنگ از سال ۲۴ و ۲۵ تاریخ اردشیری می‌باشد که آغاز آن شروع پادشاه اردشیر پاپکان^۹ حساب شده است.

دو سنگ نوشته از پادشاهان ساسانی در بخش جنوبی کاخ داریوش به دست آمده که تاریخ دارند که در یکی تاریخ اسفند اردم‌ماه از سال دوم پادشاهی شاپور ساسانی (۳۰۳ - ۳۷۹ م.)



توانستم جایی برای عبور باز کنم. همه زیباترین لباسهای خود و اکثر مردم رخت نو پوشیده بودند، چون مردم عقیده دارند که در نوروز لباس نو پوشیدن، خوشبختی می‌آورد. تعداد زیادی از جمعیت کلاههایی بر سر گذاشته بودند که برای این منظور خریداری شده بود، من عبور نمایندگان خارجی را که همه با لباسهای تمام رسمی و جاه و شکوه خاصی برای شرکت در «سلام» می‌رفتند دیدم. ...

نظامیان در صفهای مرتب و با آهنگ دسته‌موزیک در صفوف اول، از خیابانها می‌گذشتند. در میدان توپخانه توپچیها، میان گلوله‌های طلایی و نقره‌ای رنگ توپ که آنها را به صورت هرم درآورده بودند وزیر آفتاب می‌درخشیدند، و دستگاههای توپ که آنها را خوب جلا داده بودند، ایستاده و آماده شلیک بودند. مقامات بلند پایه کشوری و افسران ارتش، رؤسای ادارات مختلف، طبقات روحانی، وقایع نگار، ملک الشعرا دربار و جمعیتی از قشرهای دیگر که همه برای عرض تهنیت به شاه و مالک الرقاب خویش راهی قصر بودند، سر تا سر خیابان را پر کرده بودند.

فراشان سینه‌های پر از شیرینی بر سر، که روی آنها روپوش از بفتی [زردوزی شده] نیز انداخته بودند به هر سو در رفت و آمد بودند. عده زیادی زن با چادرهای نو و زردوزی شده، آهسته و آرام از کنار من می‌گذشتند. جلای کفشهای ساغری سرخ، زرد،



ناصرالدین شاه» در سفرنامه خود می‌نویسد: وقتی من در تهران بودم، به مناسبت فرا رسیدن نوروز، طبق آداب و رسوم کشور، در قصر شاه، مقدمات برگزاری «سلام» فراهم می‌گردید... آن روز، من برای شرکت در مراسم سلام و حضور در جایگاهی که وزیر امور خارجه برای هیأت‌های نمایندگان خارجی و اروپاییان مقیم تهران در نظر گرفته بود، دعوت شده بودم. این جایگاه، در حیاط درونی قصر، در سمت چپ تالار، واقع شده بود و برای تماشای همه حاضران و تمام جزئیات مراسم و تشریفات سلام، جای بسیار مناسبی بود. در خیابانی که به قصر منتهی می‌شد، آنچنان انبوه جمعیت همه جا را پر کرده بود، که خیلی با زحمت





قانونی شدن سال شمسی و نوروز. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی مطابق با ۱۳۴۳ هجری، بنابر قانون مصوب مجلس شورای ملی، آغاز سال و راست شدن بهار به طور رسمی، آغاز سال ایران اعلام گردید و به جای ماههای قمری، ماههای ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. شش ماه اول هر سال ۳۱ روز و پنج ماه دوم سال ۳۰ روز شد و آخرین ماه آن را ۲۹ روز بنیاد نهادند، مگر در سالهای کبیسه، یعنی هر چهار سال یک بار که آن هم ۳۰ روز تعیین گردید.

آبی و سبز رنگ آنان از دور داد می‌زد که برای اولین بار است که آنها را پوشیده‌اند. کودکان با موهای خیالی رنگ، و دست و ناخنهای تازه حنا زده خود را برای عید آراسته بودند. در وسط پیاده‌روها، تعدادی سوار، به همراه فراش و جلودار به عید دیدنی بزرگترهای خانواده و قوم و خویشهای خود می‌رفتند. چون در ایران نیز، مانند اروپا عادت دید و بازدید سال نو سخت مرسوم است. این موکب سواران، از راه گاهی با کالسکه‌های زهوار در رفته‌اعیان و اشراف ایرانی و گاهی با دم و دستگاه مجلل سفیران بیگانه، تلاقی می‌کردند^{۱۱}.

۱. کسوه را با "زره" = "هامون" تطبیق کرده‌اند.

۲. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد ششم، صفحه ۴۸۴۲ و ۴۸۴۳.

۳. اسبیداعظیم رضایی، تاریخ نوروز و گاه شماری ایران، انتشارات رز، تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۱۶۴ و ۱۴۵.

۴. موبد موبدان: در دین زردشتی "موبد" به روحانی زردشتی گفته می‌شود. موبد موبدان به معنی رییس موبدان است در آیین زردشتی صاحب این مقام دارای بزرگترین درجه است.

درهم: واحد مسکوک نقره است.

۵. خوید، غله سبز که هنوز نرسیده باشد، فصلی.

۶. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد ششم، صفحه ۴۸۴۴، به نقلا از نورزونا، صفحه ۱۸ و ۱۹.

۷. ماههای زردشتی هر روز برای خودش نامی دارد و اگر نام روز با نام ماه مصادف شود آن روز وقت جشن است.

۸. دکتر محمدجواد مشکور، خلاصه ادیان، انتشارات شرق، تهران، ۱۳۷۷، صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱.

۹. اردشیر به پهلوی (artaxšīr) ملقب به اردشیر پاپکان (بابکان) پریاپک (بابک) مؤسس سلسله ساسانی که از سال ۲۲۴ تا ۲۴۱ میلادی پادشاهی کرد. وی سرداری مقتدر و کشورستان و پادشاهی مقتدر بود.

۱۰. استاد عبدالعظیم قریب، تاریخ نوروز و گاهشماری ایران، صفحه ۱۲ و ۱۳.

۱۱. مادام کارلاسرنا، سفرنامه مادام کارلاسرنا، ترجمه علی اصغر سعیدی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۲۱۳ و ۲۱۴.

